



جغرافیا و روابط انسانی، زمستان ۱۳۹۷، دوره ۱، شماره ۳

تحلیل چند سطحی علل ژئوپلیتیکی عدم تاسیس دولت کردی در شمال عراق

ایرج احمد زاده^۱ سعید رجبی^۲

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی گرایش آمایشی سیاسی فضا دانشگاه تهران

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی گرایش ژئوپلیتیک دانشگاه تهران

saeedrajabi128@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۰۱

چکیده:

کشور عراق قبل از هر چیز مخلوق سیاست ژئوپلیتیکی فرامنطقه‌ای است بنابراین رهبران این کشور همواره در ایجاد هویت ملی فراگیر با مشکل رو به رو بوده و تنها ابزارهای سخت را به کار برده است. مهم‌ترین بحران هویتی و تهدید کننده یکپارچگی سرزمین این کشور واگرایی کردها در شمال این کشور است. استقلال خواهی کردها به عنوان پدیده‌ای مطرح در سطح فروملی که در مقیاس‌های گوناگون از محلی تا جهانی نقش‌آفرینی کرده است به دلایل گوناگون ژئوپلیتیکی امکان تحقق پیدا نکرده است؛ که این امر به دلیل تاثیر چند سطحی نیروهای فعال نظام ژئوپلیتیک جهانی و منطقه‌ای و همچنین عوامل و عناصر ژئوپلیتیکی تاثیر گذار بر رفتار دولت عراق در سطح ملی و کردها در سطح محلی و فروملی است که از قضا همگی آنها در خلاف جهت آرمان کردها حرکت می‌کنند.

این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی در پی بررسی دلایل ژئوپلیتیکی عدم تحقق تاسیس دولت کردی در شمال عراق می‌باشد و اینکه بین سطوح تاثیر گذار کدام سطح بیش‌ترین تاثیر را به جا گذاشته است. یافته‌های پژوهشگر نشانگر حساسیت بالای این منطقه و نقش‌آفرینی تمامی بازیگران در سطوح گوناگون از خرد تا کلان می‌باشد که این امر به دلیل ویژگی‌های ژئوپلیتیک شکننده خاورمیانه، تلاقی منافع قدرت‌های بزرگ و موقعیت ژئواستراتژیک این منطقه می‌باشد. نتایج تحقیق نشانگر تاثیر گذاری بیشتر نقش عوامل محلی در عدم توفیق کردها در رسیدن به استقلال می‌باشد، هرچند که این به معنای کم اهمیت بودن سایر سطوح تاثیرگذار بر رخدادهای این منطقه نیست.

واژگان کلیدی: کردستان، عراق، ژئوپلیتیک، استقلال خواهی.

مقدمه و بیان مساله:

کردها به عنوان بزرگترین ملت بدون دولت نزدیک به یک سده است که در حال مبارزه با هم سایگان شان برای احقاق حقوق خود هستند. در واقع بعد از فروپاشی عثمانی بر اساس عهدنامه سور به کردها وعده استقلال داده شد وعده‌ای که با معاهده لوزان به بوته فراوشی سپرده شد و همین امر آغازی برای مبارزه کرها برای استقلال گردید. بررسی چرخه‌ی مبارزات کردها نشانگر تغییر مداوم کانون ناسیونالیسم کردی از ترکیه به ایران و سرانجام به شمال عراق می‌باشد که امروزه نقش محوری در بازیگری کردها در محیط بین الملل بازی می‌کند که در تلاش برای ایجاد کشوری به نام کردستان در شمال عراق می‌باشد.

عراق را می‌توان کشوری با کلکسیون‌های بحران‌های ژئوپلیتیکی توصیف کرد که موضوع واگرایی ملت کرد یکی از مهم‌ترین آنها به شمار می‌آید. اما نگاهی به پازل ژئوپلیتیک عراق عمق ناپایداری و تزلزل این کشور را نشان می‌دهد. اختلافات مرزی، تنوع قومی، زبانی، فرهنگی، دسترسی محدود به دریای آزاد، بحران‌های هیدروپلیتیکی، واگرایی قومی و مذهبی، پراکنش منابع معدنی، عدم تکوین فرآیند دولت ملت سازی و... تنها چند نمونه از این بحران‌ها به شمار می‌آیند. در چنین محیط ژئوپلیتیکی شکننده‌ای موضوعی با عنوان استقلال خواهی کردها همواره مطرح است که عوامل ژئوپلیتیکی این کشور نیز در راستای تقویت و تشدید این روند عمل کرده‌اند.

پس از دهه‌ها مبارزه در ابتدای دهه ۱۹۹۰ میلادی پس جنگ اول خلیج فارس، به منظور ایجاد مشروعیت و مبنایی قانونی برای حکومت کرد، انتخابات مجلس برگزار و پس از آن نیز دولت خود مختار منطقه‌ای با عنوان حکومت منطقه‌ای کردستان اعلام موجودیت کرد (حافظ نیا و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۹۹). با شروع جنگ آمریکا علیه عراق در سال ۲۰۰۳م، کردها در آزاد سازی مناطق شمال عراق نقش اساسی ایفا و با حضور در فرآیند باز سازی سیاسی عراق، دو هدف اصلی را دنبال کردند: حضور حداکثری در نهادهای حکومت مرکزی و نیز کسب حداکثر خودمختاری در شمال عراق (واعظی، ۱۳۸۷: ۳۲) که نهایتاً با تدوین قانون اساسی جدید عراق حکومت اقلیم کردستان تشکیل شد.

لیکن با وجود تثبیت فدرالی شدن عراق، اما در سالهای اخیر میان اقلیم کردستان و دولت مرکزی عراق تنش‌هایی وجود داشته است که نشانگر اختلافات عمیق بغداد و اربیل می‌باشد. باید پذیرفت که کردها در منظومه‌ی حیات مدرن خود به چیزی جز تشکیل یک کشور کردی رضایت نخواهند داد و تمام تلاش آنها به اشکال گوناگون نیز معطوف به همین هدف می‌باشد. با این حال رسیدن به این هدف در منطقه‌ی آشوب‌زده خاورمیانه با دشواری‌ها و فشارهای گوناگونی از سطوح مختلف سیستم ژئوپلیتیکی جهانی، منطقه‌ای و ملی همراه است.

سوال تحقیق:

مهم‌ترین دلایل ژئوپلیتیکی عدم تحقق تاسیس دولت کردی در شمال عراق چیست؟ و بین سطوح تاثیر گذار بر این رخداد کدام سطح بیش‌ترین تاثیر را به جا گذاشته است؟

فرضیه تحقیق:

عدم تحقق تاسیس کردستان مستقل در شمال عراق محصول جمع جبری ضدیت ۵ سطح تحلیل محلی، فروملی، ملی، منطقه‌ای و جهانی می‌باشد که همگی در جهت عکس این روند عمل حرکت می‌کنند، و به نظر می‌رسد بین سطوح مذکور موانع ژئوپلیتیکی مرتبط با سطح محلی بیش‌ترین تاثیر را در عدم تحقق این هدف ایفا کرده‌اند.

روش تحقیق:

با توجه به ماهیت تئوریک و نظری تحقیق از روش‌های تو صیفی و تحلیلی برای تدوین آن استفاده شده است. منابع به کار رفته در این پژوهش شامل کلیه منابع کتابخانه می‌باشد که در دسترس نگارنده بوده‌اند که به چند حوزه کلی نظیر ژئوپلیتیک عراق، قدرت‌های منطقه‌ای و استقلال خواهی کردها و... تقسیم بندی شده‌اند. در پایان محقق ضمن تجزیه و تحلیل آنها اقدام به نتیجه‌گیری از یافته‌های پژوهش و پاسخ به سوال تحقیق و تایید یا رد فرضیه می‌نماید.

قلمرو تحقیق:

دامنه موضوعی پژوهش محدود به بررسی دلایل ژئوپلیتیکی موثر در شکست استقلال خواهی کردها در شمال عراق می‌باشد که از نظر دامنه مکانی نیز هرچند تا علل ژئوپلیتیکی سطوح مختلف کروی و منطقه‌ای ملی و محلی در ارتباط با این پدیده مورد کنکاش قرار می‌گیرند. از نظر دامنه زمانی نیز هرچند نگاهی تاریخی گذرایی به موضوع استقلال خواهی کردها در طول یک سده گذشته خواهیم داشت اما تمرکز اصلی ما بروی سالهای بعد از ۱۹۹۱ تا به امروز خواهد بود.

چارچوب نظری:

ژئوپلیتیک واژه‌ای با معانی گوناگونی است که به منزله‌ی یک روش تحلیلی از اواخر قرن ۱۹ عمومیت یافت. اما به طور ویژه در ۱۹۰۳ و در ادبیات آلمانی مطرح شد. ژئوپلیتیک توجیه و تفهیم موضوعات مربوط به سیاست با توجه به داده‌های جغرافیایی است. همچنین ژئوپلیتیک پویایی جغرافیا با حضور تمامی عناصر و ارزش‌های جغرافیایی است. ژئوپلیتیک از نقش‌آفرینی سیاسی محیطی در چارچوب مفهوم قدرت سخن می‌گوید و بیشتر نگاه فراملی دارد (احمدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۳).

هر قلمروی را که به هر دلیل استراتژیک مستعد رقابت بر سر کنترل و اعمال نفوذ از سوی قدرت‌های موجود در آن باشد و بویژه پیشینه‌ای از رقابت و منازعه برای سلطه در آن وجود داشته باشد، می‌توان منطقه ژئوپلیتیک نامید. منطقه ژئوپلیتیک بازگوکننده شکل سیاسی شده منطقه جغرافیایی است. منطقه ژئوپلیتیک بسترساز شکل‌گیری الگوی فضایی روابط سیاسی دولت‌های درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای است و کنش و واکنش آنها و پیدایش الگوی رقابت همکاری و نزاع را برمی‌انگیزد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۱۲). یکی از پرتنش‌ترین مناطق ژئوپلیتیکی در عصر کنونی منطقه جنوب غرب آسیاست که همواره کانون رقابت قدرت‌های مختلف در سطوح گوناگون جهانی، منطقه‌ای و محلی بوده است.

نظام ژئوپلیتیکی انعکاس دهنده‌ی الگوی مناسبات قدرت در میان ساخت‌های سیاسی - فضایی (کشورها و دولت‌های مستقل) است. در این نظام روابط کشورها در سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای، قاره‌ای و جهانی بر پایه وزن ژئوپلیتیکی تولید کننده قدرت آنها و جایگاهشان در نظام سلسله مراتب قدرت تنظیم می‌شود. کارکرد چنین نظامی سامان‌یابی واحدهای سیاسی فضایی بر گرد محوری است که قدرتمندترین آنها را تشکیل می‌دهد (رشنو و حمیدی فراهانی، ۱۳۹۲: ۳۳-۳۴).

نظام‌های ژئوپلیتیکی در مقیاس‌های مختلف محلی، منطقه‌ای، قاره‌ای و جهانی و نیز اشکال متفاوت تک قطبی، دوقطبی چند قطبی و نظایر آنها وجود دارند و دارای خصلتها سلسله مراتبی و ساختار فضایی مرکز-پیرامون و جریان‌یابی پدیده‌ها از مرکز یا راس به پیرامون و یا توابع و سطوح مادون‌اند. این نظام‌ها فاقد ثبات و پایداری و دینامیک هستند و با تغییر در عناصر قدرت و وضعیت و وزن ژئوپلیتیک اعضای آنها دچار تحول می‌گردند. از این رو فرآیندهای رقابت کشمکش، همکاری، ستیز، صلح و همگرایی در بین اعضای آنها یا کشورها از پویایی برخوردار بوده، دائماً در مقیاس جهانی، منطقه‌ای و محلی در حال تحول‌اند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۶: ۱۲).

سطح محلی و فروملی:

کردها در بین قومیت‌های همانند خود از ویژگی‌های متمایزی برخوردارند، جدای از تمام برخوردها، درگیری‌ها و جنگ‌هایی که از سده‌های پیشین تاکنون بر کردها تحمیل شده است، این ملت بصورت اعجاب‌انگیزی توانسته اند ویژگیهای خود را حفظ و هویت ملی خود را از همسایگان متمایز نگه دارد. اگر چه کردها به مانند بلغارها و چک‌ها در طول تاریخ خود پادشاه و امپراطوری (انسجام دهنده) نداشته‌اند و فاقد قانون اساسی و مدون و فراگیر بوده‌اند اما قویا از هویت کردی خود پاسداری کرده و حق کرد بودن خود را هنوز در خود دارند (محمدی: ۱۳۷۷: ۴۰).

ژئوپلیتیک کردستان عراق دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است نظیر اینکه کردستان عراق بین ۴ کشور ترکیه ایران عراق و سوریه واقع شده و به غیر از عراق در بقیه کشورها با نواحی کرد نشین همسایه است، کردها بزرگترین ملت بدون دولت در خاورمیانه و جهان هستند که حدود ۲۰ درصدشان در کردستان عراق ساکن هستند، کردستان عراق محصور در خشکی است و به دریا راه ندارد، کردستان عراق محل عبور رود دجله و همهی رودهای تغذیه کننده آن به درون عراق است. کردستان عراق به دو ناحیه سوران و بادینان با خصوصیات و گرایشات سیاسی متفاوت تحت حکومت دو حزب رقب *kdp* و *puk* تقسیم می‌شود (کرمی، ۱۳۸۹: ۳).

جمع جبری و ویژگی‌های ژئوپلیتیکی کردستان عراق هر چند در بردانده فاکتورهای قدرتی همچون منابع عظیم هیدروکربنی و آبی برای کردها می‌باشد اما در مجموع دورنمای روشنی را برای استقلال خواهی آنها ترسیم نمی‌کند. بخصوص محدودیت‌های جغرافیایی و عدم دسترسی به دریای آزاد برای کردها سبب شده که کردها همواره به صورت گروگان همسایگان‌شان در بیایند.

موقعیت بسته جغرافیای کردستان، بزرگترین چالش پایدار ژئوپلیتیک آن است. پیش نیاز هر گونه مبادله با جها خارج جلب همکاری کشورهای پیرامونی بویژه ایران و ترکیه است. بسیاری از نیازمندی‌های کردستان عراق هم اکنون از گذرگاه‌های مرزی این دو کشور برآورده می‌شود. بروز هرگونه چالش در روابط مناسبات کردها و آمریکا با این دو دولت نشان داده که آن دو از موقعیت فرا دست‌ی خود جهت تحمیل خواسته‌هایشان تردیدی به خود راه نمی‌دهند (زیباکلام، ۱۳۹۰: ۶۱) محصور بودن کردستان عراق در خشکی و عدم دسترسی به دریاهای آزاد و آبراه‌های بین‌المللی اصلی‌ترین تنگنای ژئوپلیتیکی کردهای عراق است که آنان را به همسایگان‌شان نیازمند کرده است مهم‌ترین و اصلی‌ترین پیامد تنگنای جغرافیایی، تاثیرگذاری بر وضعیت اقتصادی منطقه کردستان عراق است.

تقسیم کردستان بر پایه خطوط مذهبی و قومی به طوری که دو گرایش عمده قومی، لهجه سوران - بادینی و حضور کردهای فیلی، یزیدی، شبک و حضور ترکن‌های شیعه، سنی و اقلیت آشوری و نسطوری گسل‌های عمیق ژئوتنیکال را در منطقه بوجود آورده است (زیبا کلام و عبدالله پور، ۱۳۹۰: ۶۲) اختلافات درونی کردهای عراق در عرصه فردی و حزبی، عملاً همراهی تمام احزاب کرد را در جهت استقلال از طریق همه پرسی آتی با خلل مواجه خواهد ساخت. در میان مردم کردستان عراق دوگانه، مسعود بارزانی و جلال طالبانی جهت استیلا بر جایگاه رهبری، خودنمایی می‌کنند و در میان احزاب نیز اتفاق نظر خاصی در باب آینده این اقلیم وجود ندارد.

تقابل دو جریان اصلی احزاب کردستان یعنی حزب دموکرات و ائتلاف اتحاد میهنی و جنبش گوران را به واقع می‌توان به تقابل دو هژمونی شرق و غرب در مقیاس کوچک تشبیه کرد. گروه اول به طور واضح تحت استیلای آمریکا و رژیم صهیونیستی بوده و گروه دوم نیز دارای روابط خوب با ایران و روسیه است. این مساله قطعاً بر اهداف و تصویر مطلوب آنها از آینده کردستان عراق و طبعاً راهبرد این دو جریان در جهت نیل به اهداف، تاثیر فراوان خواهد گذاشت و به عدم توفیق در جهت ایجاد اتحاد و حتی درک صحیح متقابل خواهد انجامید.

جدا از موارد بالا کردستان عراق با موانع و مشکلات دیگری در راستای نیل به آرمان استقلال مواجه است. جغرافیایی خشن و کوهستانی کردی سبب پیدایش خرده فرهنگ‌ها و گویش‌ها در این منطقه شده و امکان تعریف هویت واحد یکدستی در این ناحیه را از بین برده است. فرهنگ عشیره‌ای و مبتنی بر قومیت و تقدم قوم طایفه یا هر واحد سیاسی فروملی بر هویت ملی کردها سبب شده که همیشه در تاریخ مابزه صد ساله کردها شاهد عهدشکنی‌ها و خیانت‌های رهبران قومی به آرمان‌های کردی باشیم.

سطح ملی:

عراق تنها کشور حاشیه خلیج فارس است که کمترین ساحل را با آب‌های آزاد دارد و همین مسئله یکی از مشکلات اساسی عراق از حیث اقتصادی و ارتباطی و نظامی و استراتژیکی است که به گونه‌ای بر رفتار سیاسی - نظامی دولت عراق اثر گذاشته و حل آن به صورت یک هدف آرمانی برای عراق در آمده است. تهاجم دولت عراق به کشور ایران در سال ۱۹۸۰ و نیز به کشور کویت در سال ۱۹۹۰ تجلی تاثیر این مشکل در استراتژی عراق است (حافظ نیا، ۱۳۷۱: ۲۵۷). در حقیقت عراق از یک سو برای فرار از خفگی جغرافیایی به دنبال گسترش معبرش در دهانه خلیج

فارس می‌باشد و از طرف دیگر مجبور به مقابله با کردها در شمال کشور برای جلوگیری از شروع فروپاشی کشور می‌باشد.

عراق در طول حیات نزدیک به یک سده‌ای خود همواره با موضوع بحران هویت و تهدید یکپارچگی سرزمینی‌اش در شمال و جنوب کشور دست و پنجه نرم کرده است و در این بین استقلال خواهی کردها بیش‌ترین فشار را بر بغداد در دوره‌های گوناگون وارد کرده است. اختلاف کردها با اعراب، تفاوت‌های زبانی، مذهبی، فرهنگی و... سبب تشدد این شکاف شده است. کردستان به دلایل چندی همچون ذخایر هیدروکربنی، آبی، معدنی و... برای بغداد از اهمیت بالایی برخوردار است با این حال اصرار بغداد بر تداوم عراق یکپارچه دلایلی فراتر از دلایل فوق دارد.

اعطای استقلال به کردها در شمال برای عراق تنها به معنی جدایی بخشی از خاک عراق نمی‌باشد بلکه با در نظر گرفتن عدم پا گرفتن هویت ملی و تکامل پروسه دولت ملت سازی در این کشور ساخته استعمار، این رخداد به منزله فروپاشی عراق تلقی می‌شود. از این رو بغداد همواره در طی دهه‌های مختلف به شیوه‌های گوناگون از سرکوب گرفته تا کشتار و حتی دادن امتیازات گوناگون همچون خودمختاری سعی در خنثی کردن و یا حداقل به تعویق انداختن استقلال کردها در این کشور می‌باشد.

کردهای عراق یکی از بزرگترین نیروهایی بوده‌اند که در خاورمیانه، هم از طرف استعمار غرب و هم شرق، روی آن سرمایه گذاری شده و هر یک در مواقعی از این مردم شجاع بر علیه دیگری نهایت استفاده را برده است. فقر فرهنگی ریشه دار همرا با وضع بد اقتصادی، در حالی که جزو مناطق نفت خیز جهان است و قسمت اعظم نفت عراق از شمال این کشور استخراج می‌شود، دو عاملی بودن که سبب سرعت بخشیدن به شورش کردها بر علیه دولت‌های مرکزی عراق بوده است (یونسی، ۱۳۸۰: ۵۲).

در قانون اساسی عراق که در سال ۲۰۰۵ مورد تایید عمومی مردم عراق از جمله کردها قرار گرفته است بارها بر وحدت و تمامیت ارضی عراق تاکید شده است. در ماده اول این قانون آمده است: عراق کشوری فدرال است که قانون اساسی ضامن وحدت آن است. در ماده ۱۳ این قانون تاکید شده است: «قانون اساسی عالی‌ترین قانون در کشور است و تصویب هر قانونی که به اتخاذ تصمیمی بر خلاف قانون اساسی منجر شود، جایز نیست». در حقیقت مهم‌ترین دستاورد مقامات بغداد در تدوین قانون اساسی جدید این کشور بعد از اشغال سال ۲۰۰۳ حفظ یکپارچگی سرزمینی عراق علارغم واگذاری امتیازات زیادی به کردها در شمال بود.

در ماده ۱۰۹ قانون اساسی تصریح شده است: «نهادهای دولت فدرال حافظ وحدت عراق و نظام فدرالی آن هستند». این ماده به دولت مرکزی اختیار داده که برای حفظ نظام فدرالی و یکپارچگی ارضی عراق اقدامات مقتضی را انجام دهد. در ادامه ماده ۱۰۹ آمده است: «نفت و گاز عراق در تملک همه مردم عراق است». بر این اساس تصمیم گیری درباره مناطق نفت خیز کرکوک هرگز منحصر به آراء مردم کرکوک و اقلیم کردستان عراق نیست. نکته دیگر مربوط به توسعه طلبی ارضی در این همه پرسی است، به گونه‌ای که همه پرسی علاوه بر قلمرو اقلیم خودگردان، در مناطق مورد اختلاف مانند استان کرکوک و بخش‌هایی از استان‌های صلاح‌الدین، نینوا و دیالی هم برگزار شده است. این درحالی است که ماده ۱۴۰ قانون اساسی عراق تصریح کرده است که سرنوشت این مناطق باید طی یک همه پرسی عمومی مشخص شود.

با وجود تمامی امتیازاتی که قانون اساسی جدی به کردها داد اما آنها قادر و مایل به هضم شدن در جامعه‌ی عراق نیستند و در هر فرصتی سعی در ارائه‌ی تعریفی جدید از هویت کردی خود هستند. علت عدم ادغام کردها در جامعه عراق احتمالاً سه چیز است. گذشته از آن که تدام فرهنگ سیاسی قبیله‌گی به وسیله کردها مانع از اقدام آنان به تاسیس یک نظام سیاسی در قالب دولت ملی دولت عراق شده است. دولت عراق هم با قوم‌گرایی استخراجی - عادی عربی زمینه ساز تشدید چنین بحرانی گردیده است. علاوه بر این شیوه برخورد بریتانیا با منطقه به‌نحوی بوده که به تداوم بحران در منطقه دامن زده و کردهای عراق را دچار مشکل اساسی کرده است (سیف زاده: ۱۳۷۹: ۲۹).

سطح فراملی:

کردها از به عنوان بزرگترین ملت فاقد سرزمین و ساخت سیاسی تعریف شده در میان کشورهای شرق و شمال خاورمیانه در گستره‌ای به هم پیوسته که مرزهای سیاسی حاصل از معاهده‌های بین‌المللی آن را از هم جدا نموده است پراکنده‌اند. خودآگاهی آنها نسبت به هویت کردی‌شان به گونه‌ای است که علیرغم تلاش گسترده دولت‌های منطقه برای امحاء هویت آنان اکنون بیش از هر زمان دیگری به باز تعریف مفاهیم مورد نظر خویش پرداخته‌اند و به گونه‌ای خود را با شرایط نوین ناشی از تحولات منطقه‌ای و جهانی وفق داده‌اند، که می‌توان تصور کرد کردها یکی از موثرترین پارامترها در شکل‌گیری فضای سیاسی خاورمیانه خواهند بود. در واقع به موازات گسترش دگرگونی‌های منطقه‌ی خاورمیانه اهمیت کردستان در این تحولات سیر صعودی یافته است (نوری، ۱۳۸۴: ۱).

سیاست دولت‌های خاورمیانه نسبت به هویت اقلیت کردها متفاوت بوده است. ترکیه از زمان کمال آتاتورک هویت کردها را نفی کرده و آنها را ترک آن هم ترک کوهستان شناخته است. ایران هویت موجودیت کردها را به رسمیت شناخته، ولی آنها را از منظر قومی و نژادی شاخه‌ای از ایرانیان می‌داند که بخشی از ایران را شامل می‌شود. عراق گفته که ما عرب هستیم و شما کرد و گاهی هر دو عراقی هستیم و ما به عنوان بخشی از دنیای عرب خودمختاری شما را در کل تضمین می‌کنیم؛ سوریه هویت کردها را به کلی نفی کرده و سیاست عربیزه کرده سرزمین آنها را اجرا کرده است (بوژمهرابی و پوراسلامی، ۱۳۹۳: ۹۶-۹۷).

اغلب از کردستان عراق با عنوان کردستان جنوبی یاد می‌شود. اما این بخش در حقیقت در سرزمین کردستان موقعیتی بیش و کم میانی و مرکزی دارد. این بخش حلقه پیوندی است بین آنچه به کردستان ترکیه یا کردستان شمالی یا غربی و کردستان ایران یا کردستان خاوری (بسوی شرق و جنوب شرق) معروف است و با نواحی عمدتاً کردنشین سوریه هم مرز است (کنال، ۱۳۷۹: ۱۷۴). در حقیقت کردستان عراق نقطه اتصال کردستان چهارپاره می‌باشد که نقش مرکزی را در پازل پیچیده کردها ایفا می‌کند و هر گونه تغییر و تحول در این بخش ناگزیر با بازخوردها در سایر مناطق کردنشین کشورهای همسایه نیز همراه است.

یکی از موانع جدی کردها برای اعلام استقلال و جدایی از عراق فقدان هرگونه حمایت منطقه‌ای و بین‌المللی از ایجاد دولت کردی است. در واقع هیچ یک از بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی در ایجاد دولت کردی یا تجزیه عراق منافع راهبردی و کلانی را برای خود متصور نیستند تا برای تحقق آنها به حمایت قاطعانه از ایجاد دولت کردی دست بزنند. این در حالی است که به اذعان رهبران کرد، آنها برای اعلام استقلال به حمایت جدی حداقل یک بازیگر منطقه‌ای و یک قدرت بین‌المللی نیاز دارند.

ار آنجایی که کشورهای ایران ترکیه و سوریه دارای اقلیت کرد می‌باشند علی‌رغم داشتن دیدگاه‌های و رفتار متفاوت در برخی امور منطقه‌ای و بین‌المللی و نیز علی‌رغم رقابت‌های درون منطقه‌ای که بین ایران و ترکیه در خاورمیانه و قفقاز و آسیای مرکزی وجود دارد، آنها در اثر پیدایش خودگردانی در شمال عراق رفتار مشترکی پیدا کردند. آنها اولاً مخالف تا سپس خودگردانی می‌باشند زیرا نگران تاثیرگذاری آن بر اقلیت کرد کشور خود هستند به ویژه ترکیه بیش‌ترین نگرانی را از این بابت دارد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۹: ۲۹).

ژئوپولیتیک کرد همچنین مانعی بزرگ در راه وحدت ملی ترکیه بوجود آورده است. کردها در استان‌های کوهستانی و عقب افتاده حاشیه شرقی و جنوب شرقی اکثریت دارند. شورش‌های مکرر این قوم از دهه ۱۹۲۰ صورت

دیگری به خود گرفته است. قدرت حکومت مرکزی ترکیه در مناطق دور افتاده کردنشین هنوز اندک است دولت آنکارا نسبت به شکایات کردها که ناشی از عقب ماندگی اقتصادی کردنشین و سرکوب فرهنگی است. کاملاً بی تفاوت است با خطاب آنها تحت عنوان ترک‌های کوهستانی، به اعمال سیاست خشن سازی درباره آنها همت می‌گمارد (دراسیدل و بلیک، ۱۳۷۴: ۲۱۵).

یکی از عوامل عمده‌ای که مانع بذل توجه جامعه بین الملل در گذشته به مبارزه کردهای شده، ویژگی عمیقاً بی‌ثبات کننده این مسئله است. هر گونه راه حلی بر جدایی طلبی کردها به ویژه برای قلمرو و منافع دو کشور ترکیه و عراق مصیبت بار است و بخش اعظم میادین نفتی عراق را تصاحب خواهد کرد و برای ترکیه یک دولت کرد به معنای از بین رفتن تقریباً تمامی قلمرو ترکیه جنوبی خواهد بود (فولر: ۱۳۷۳، ۵).

در سطح منطقه سه همسایه اقلیم کردستان یعنی ترکیه، ایران و سوریه به دلیل داشتن اقلیت کرد و آسیب پذیری‌های درونی با ایجاد دولت کردی مخالفند. ایران و به خصوص ترکیه به رغم همکاری‌های اقتصادی و سیاسی با رهبران کرد در نهایت موافق تجزیه عراق و شکل گیری دولت کردی نیستند. شاید بتوان به رژیم صهیونیستی به عنوان تنها بازیگری اشاره کرد که از آمادگی لازم برای شناسایی و برخی حمایت‌ها از دولت کردی احتمالی برخوردار است.

کسب رضایت قدرت‌های منطقه‌ای از این حیث برای حاکمان اقلیم اهمیت دارد عدم موافقت آنها می‌تواند پیوستگی و روابط تجاری اقلیم را با بازارهای بین المللی سخت کند. در این میان، ترکیه نیز اگرچه در ظاهر بر تقویت روابط سیاسی و اقتصادی خود با حکومت اقلیم کردستان تأکید دارد اما اتخاذ موضع سفت و سخت اردوغان در مخالفت با برافراشتن پرچم اقلیم کردستان بر فراز استانداری کرکوک نشانگر وحشت آنکارا از شکل‌گیری هرگونه کشور مستقل کردی در جوار مرزهای خود چه در سوریه و چه در عراق بوده و آن را برنخواهد تابید.

اما در یک نگاه جامع به مسئله کردستان باید گفت که جنبش ملی کرد در سطح کلان خود عوامل متعددی را در بر می‌گیرد که براحتی نمی‌توان از آنها گذر کرد. یکی از آن عوامل آن است که کردستان قسمتی از موجودیت دولت - ملت در ایران، عراق و ترکیه است. خلق و ایجاد هویت کردی خودمختار در هریک از قسمت‌های کردستان تهدیدی برای وحدت سرزمینی هریک از قسمت‌های کردستان تهدیدی برای وحدت سرزمینی هر یک از کشورهای همسایه کردهاست (زیبا کلام عبدالله‌پور، ۱۳۹۰: ۷۰)

از این رو نباید انتظار داشت که این کشورها به همین سادگی اجازه شکاف برداشتن پازل ناهمگون سرزمینی خود را بدهند. در واقع تاسیس دولت کردی در خاورمیانه را می‌توان به شروع یک بازی دومینوی پیچیده، مرگبار و

بسیار پرهزینه برای دولت‌های منطقه دانست که تبعات غیر قابل پیش‌بینی برای دولت-ملت‌های منطقه در پی دارد. در واقع جغرافیای آشوب خاورمیانه امکان تاب‌آوری پیدایش یک بحران منطقه‌ای جدید را ندارد از این رو کشورهای منطقه گاهی بدون محاسبه تبعات به تعویق انداختن خواسته‌های کردها و منافع ملی خود اقدام به مخالفت با استقلال کردستان عراق می‌کنند.

با وجود مخالفت تمامی قدرت‌های منطقه‌ای و همسایه کردستان در بعد منطقه‌ای یا فراملی شاهد حمایت همه جانبه یک دولت از استقلال خواهی کردها به نام دولت اسرائیل هستیم. حمایت اسرائیل از استقلال کردستان عراق تنها بر اساس منافع ژئوپلیتیک قابل فهم است. اسرائیل برای فرار از نداشتن عمق استراتژیک سرزمینی، یافتن متحد منطقه‌ای و همچنین امنیت انتقال جریان نفت از کردستان به اسرائیل همواره از تشکیل کشور کردی استقبال می‌کند.

با این حال حمایت اسرائیل به تنهایی نمی‌تواند برای کردها راهگشا باشد، امروز اسرائیل مرز مشترکی با کردها ندارد تا، اسلحه و مهمات در اختیار آنها قرار داده و نیروهای آن را آموزش دهد. ایران و عراق، هیچ رابطه‌ای با اسرائیل ندارند و رابطه با ترکیه نیز در سال‌های اخیر، دستخوش اتفاقات بسیار بوده و امروز، چندان گرم به نظر نمی‌رسد. چه اینکه با حمایت اسرائیل از کردها، اسباب سردی روابط تل‌آویو-آنکارا فراهم آمده است. از سوی دیگر اسرائیل می‌داند که در صورت پیروزی رای آری در همه پرسش‌های استقلال، بغداد برای سرکوب کردها تنها نخواهد بود. گرچه تمرکز ارتش عراق بر مبارزه با داعش قرار دارد، اما ایران و ترکیه بیش از هر زمان دیگری، برای خاموش کردن ندای استقلال طلبی کردهای عراق، به بغداد نزدیک هستند.

سطح فرامنطقه‌ای و جهانی:

در طول یک قرن گذشته بیش از ۱۰۰ کشور جدید متولد شده اند که هرچند همواره با مخالفت حکومت‌های ملی خود مواجه شده اند اما همواره یک قدرت جهانی رقیب از استقلال خواهی آنها حمایت کرده است و همین امر بخشی از راه استقلال را برای آنها هموار کرده است اما کردها در این مورد نیز جز حمایت‌های کوتاه مدت و تاکتیکی دوران نظام دوقطبی هیچگاه از حمایت یک قدرت جهانی برخوردار نبوده‌اند.

در سطح بین‌المللی روسیه، چین و اتحادیه اروپا هیچ‌گونه تمایلی به تجزیه عراق و شکل‌گیری دولت کردی ندارند. تنها نوع تعاملات آمریکا با کردها و برخی ایده‌های کلان و نظری (و نه طرح‌های عملیاتی) ارائه شده از سوی برخی آمریکایی‌ها باعث ایجاد تردیدها و ابهاماتی در خصوص رویکرد آمریکا به استقلال کردستان شده است. با این

حال بررسی دقیق مواضع و رفتارهای عملی دولت آمریکا نشان می‌دهد که هنوز هیچ گونه طرح عملیاتی خاصی برای تجزیه عراق و حمایت از ایجاد دولت کردی در آمریکا وجود ندارد. از جمله مهم‌ترین دلایل و شواهد این استدلال عبارتند از: مخالفت واشنگتن با اعلام استقلال در دیدارها و به رغم تاکیدات رهبران کرد؛ عدم اعطای تسلیحات سنگین و استراتژیک به اکراد از سوی آمریکا به رغم درخواستهای مکرر؛ مخالفت آمریکا با صدور مستقیم نفت از منطقه اقلیم کردستان؛ تلاش واشنگتن برای گفتگو و تعامل بین اربیل و بغداد و عدم گسترش اختلافات؛ و حمایت آمریکا از دولت مرکزی عراق در عرصه‌های مختلف از جمله اعطای تسلیحات و آموزش نیروهای عراقی به منظور افزایش قدرت بغداد برای اعمال حاکمیت و ثبات سازی.

امریکا به این دلیل که عدم تغییر مرزها را یک ضرورت می‌داند، با استقلال کردها مخالفت کرده است. وزارت خارجه آمریکا نسبت به فرایند استقلال کردستان ابراز نگرانی کرد. و اعلام کرد خدشه دار کردن تمامیت ارضی عراق و یا تلاش برای ترسیم مرزهای جدید در این کشور گام صحیحی نیست و منجر به تشدید وخامت اوضاع و بی ثباتی نه تنها در بغداد که حتی در اربیل می‌شود. آنها همچنین اعلام کردند دولت آمریکا از یک عراق دموکراتیک باثبات، فدرال و واحد دفاع می‌کند (راهبرد، ۱۳۹۶: ۹)

کشورهایی اروپایی نیز در مورد استقلال کردستان نظرات هم‌سوئی با آمریکا داشتند. البته انگلیس در این میان به نوعی بیشتر نسبت به استقلال کردستان عراق راغب بود. و کمیته روابط خارجی پارلمان انگلیس در خصوص اقلیم کردستان اعلام کرد که امکان استقلال کردستان در میان مدت وجود دارد. دولت آلمان اعلام کرد که حفظ تمامیت ارضی عراق برای احیای صلح و آرامش در این کشور بسیار مهم است. معاون سخنگوی دولت آلمان، مخالفت این کشور را با برگزاری همه‌پرسی استقلال در کردستان عراق اعلام کرد.

موضع روسیه در قبال کردها پیچیده است. به طور سنتی، روسیه روابطی دوستانه با کردها داشته است و یکی از اولین کشورهایی بوده در اربیل کنسولگری افتتاح کرد. با این حال مسکو مخالف تصمیم یکجانبه اربیل برای اعلام استقلال است و تنها در صورتی از آن حمایت می‌کند که با رضایت بغداد صورت پذیرد. پیوندی نیز میان وضعیت سوریه و عراق وجود دارد مبنی بر اینکه جدایی کردها از کشور عراق، واکنش مثبتی از سوی دمشق و تهران دریافت نکرده است؛ کشورهایی که موضع گیری آنها ممکن است بر تصمیم روسیه تاثیر داشته باشد. این نیز نامشخص است که یک کردستان مستق حامی غرب به نفع روسیه باشد.

نتیجه گیری:

کردستان به عنوان بزرگترین ملت بدون دولت از منظر موقعیت جغرافیایی در بدترین نقطه جهان قرار دارد چرا که در پروسه یکصد ساله استقلال خواهی آنها بیش از صد کشور دیگر در گوشه و کنار دنیا به استقلال دست یافته اند و هیچکدام از آنها هیچگاه چنین مشقت‌هایی را متحمل نشده است. این امر به خاطر موقعیت حساس و شکننده خاورمیانه می‌باشد که امکان بازیگری را برای کنشگران نوظهور و ساختارشکن محدود کرده است. کردها برای نیل به استقلال به فشارهای سیستمیک گوناگونی در تمامی سطوح روبه رو هستند.

در سطح محلی باید گفت؛ محصور بودن کردستان عراق در خشکی و عدم دسترسی به دریاهای آزاد و آبراه‌های بین‌المللی اصلی‌ترین تنگنای ژئوپلیتیکی کردهای عراق است که آنان را به همسایگان‌شان نیازمند کرده است مهم‌ترین و اصلی‌ترین پیامد تنگنای جغرافیایی، تاثیرگذاری بر وضعیت اقتصادی منطقه کردستان عراق است که همیشه به عنوان پاشنه آشیلی برای کردها عمل خواهد کرد. اختلافات حزبی، تکرر عقاید، نبود بلوغ سیاسی، وابستگی به صدرور نفت، فساد داخلی در راس هرم قدرت و... از دیگران عوامل داخلی دافعه در روند استقلال خواهی کردها هستند.

در سطح ملی باید به عواملی نظیر مخالفت شدید حکومت مرکزی، تداوم چرخه سرکوب کردها، درآمدهای نفتی فراوان، وابستگی‌های انرژی و هیدروپلیتیکی عراق به کردستان را نام برد که همگی سبب اهمیت یافتن مناطق شمالی برای حکومت مرکزی بغداد شده است. در سطح منطقه‌ای مخالفت شدید ۴ کشور همسایه کردستان عراق، اتفاق نظر در نطفه خفه کردن استقلال خواهی کردها، محاصره کردستان و در فشار قرار دادن آن، در اختیار داشتن ابزار فشار بر کردها و... همگی در ضدیت با آرمان استقلال کردها عمل کرده و آنها را از داشتن یک متحد یا دوست قابل اعتماد محروم کرده است.

در سطح فرامنطقه‌ای و جهانی نیز کردها با مشکلات مشابه مخالفت‌های منطقه‌ای مواجه هستند. عدم حمایت هیچکدام از قدرت‌های جهانی از تغییر موازنه در منطقه، پیوند هرکدام از قطب‌های قدرت جهانی با یکی از همسایگان کردستان عراق، عدم تمایل آنها به ظهور بازیگری جدید و پیچیده تر شدن معادلات خاورمیانه و... تنها نشانگر تمایل آنها برای حفظ وضع موجود و مخالفت با تغییر نقشه خاورمیانه می‌باشد.

با تمامی این اوصاف باید گفت که فارغ از تاثیر تمامی سطوح مذکور آنچه بیش از همه استقلال را طی نزدیک به یک سده مبارزه برای کردها تبدیل به سراب کرده است؛ موانع، معضلات و محذورات پیچیده محیط داخلی کردستان

می‌باشد که به صورت مهم‌ترین مانع برای آنها عمل کرده است و از قضای روزگار و جبر جغرافیایی به سادگی قابل تغییر هم نیست، کسی نمی‌تواند منکر این باشد که اگر کردها به دریای آزاد دسترسی داشتند طبیعتاً مسیر استقلال متفاوتی را طی می‌کردند. بارها کردها توانسته‌اند دشمنان‌شان را شکست دهند اما معضل آنها در ارتباط با محیط بیرونی و محاصره آنها توسط همسایگان‌شان سبب شده آنها دستاوردهایشان را براحتی از دست بدهند. معضل جغرافیای بسته کردها در داخل با بحران‌های قومی و حزبی، جغرافیایی نامساعد، غلبه فرهنگ قومی و... نیز تشدید شده است.

منابع:

- احمدی، سید عباس، حیدری موصلو، طهمورث و نیکزاد، روح الله، (۱۳۹۲)، جنبه‌های بین‌المللی ژئوپلیتیک زیست محیطی، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۵، ش ۳.
- بوژمهرایی، حسن و پوراسلامی، مهدی، (۱۳۹۳)، اهدید نرم خودمختاری کردستان عراق و تاثیر آن بر کردهای ایران، جامعه‌شناسی جهان اسلام، دوره ۲، ش ۱.
- حافظ نیا، محمدرضا، (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، انتشارات پاپلی، مشهد.
- حافظ نیا، محمدرضا، (۱۳۸۵)، تاثیر خودگردانی کردهای شمال عراق بر کشورهای هم‌سایه، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ش ۸۳.
- حافظ نیا، محمدرضا، ریباز قربانی نژاد و زهرا احمدی پور، (۱۳۸۹) «تحلیل تطبیقی الگوی خودگردانی کردستان عراق با الگوهای خودمختاری و فدرالیسم»، مدرس علوم انسانی: برنامه ریزی و آمایش فضا، دوره ۱۴، شماره ۲.
- حافظ نیا، محمدرضا، (۱۳۷۱)، خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، انتشارات سمت، تهران.
- حافظ نیا، محمدرضا، (۱۳۸۶)، قدرت و منافع ملی، نشر انتخاب، تهران.
- درایسدل، آ. و بلیک، جی، اج؛ (۱۳۷۴) جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا: ترجمه دره میرحیدر، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران.

رشنو، نبی الله و حمیدی فراهانی، همایون، (۱۳۹۲) نگاهی به ژئوپلیتیک و دیپلماسی اقتصادی ج.ا. ایران، مرکز مطالعات جهانی شدن، تهران

سیف زاده، سید حسن (۱۳۷۵) نظریه‌های مختلف درباره راه‌های گوناگون نو سازی و دگرگونی سیاسی؛ قومس، تهران.

فولر، گراهام؛ (۱۳۷۳) قبله عالم؛ ترجمه عباس مخبر، تهران، نشر مرکز.

قانون اساسی کشور عراق مصوب سال (۲۰۰۵).

کرمی، هاشم، (۱۳۸۹)، اثر ژئوپلیتیک کردستان عراق بر وضعیت سیاسی کردهای عراق، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.

کندال، عصمت شریف وانلی مصطفی نازدار (۱۳۷۹)؛ کردها؛ مترجم ابراهیم یونسی، تهران، نشر روز بهان.

محمدی، حمیدرضا، (۱۳۷۷)، نقش نواحی بحرانی در جهت گیری استراتژی ملی، پژوهش موردی کردستان، رساله دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس.

محمود واعظی، (۱۳۸۷)، رویکرد گروه‌های داخلی عراق به ایران و امریکا، در علی اکبر اسدی: عراق پس از صدام و بازیگران منطقه‌ای، پژوهشنامه شماره ۱۲، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

نوری، فریدون، (۱۳۸۴)، نشریه ناشتی، ۱۲ اردیبهشت ماه.

یونسی، ابراهیم، (۱۳۸۰)، ترجمه‌ی مسائل سیاسی کردستان، تهران نشر پانیزد.